

مدلهای برنامه ریزی درسی

مفهوم برنامه درسی:

برنامه ریزان درسی با توجه به نگرشی که نسبت به ماهیت برنامه درسی و تعیم و تربیت دارند در مورد عناصر اصلی برنامه ی درسی تصمیم گیری میکنند و در هر یک از این عناصر، اصول و جهت گیری برنامه ی درسی را تعیین می نمایند که این فرایند را ”طراحی” می نامند.

طراحی عبارت است از: ”مشخص کردن مولفه های برنامه ی درسی، یعنی نقشه ای برای آموزش تعریف شده است.” طراحی نقشه کشی است و برنامه ریزی اجرای آن نقشه است. فرایند برنامه ریزی درسی به علت ارتباط داشتن با عوامل مختلف فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی یک فرایند چهار بعدی است که عبارتند از :

- ۱- برنامه ریزی درسی ، یک فرایند یا شیوه ای میان افراد است .
- ۲- برنامه ریزی درسی ، یک امر اجتماعی است .
- ۳- برنامه ریزی درسی ، یک فرایند سیاسی است .
- ۴- برنامه ریزی درسی ، یک امر جمعی است و باید با همکاری انجام گیرد.

مدلهای برنامه ریزی درسی :

مدل های برنامه ریزی درسی را می توان در دو گروه طبقه بندی کرد:

- ۱- رویکرد تکنیکی علمی یا خطی: با این روش هدف های تعلیم و تربیت تعیین شده و به دقت بیان میشود و سپس به شیوه ی خطی میتوان آنها را تحقق بخشید بر اساس این دیدگاه، به عقل گرایی و تجربه گرایی تکیه مینماید و عقلانیت زیباشناسانه نامیده میشود.

مدلهای تکنیکی علمی یا خطی عبارتند از :

- ۱- مدل بابیت
- ۲- مدل تایلر
- ۳- مدل تبا
- ۴- مدل سیلور والکساندر
- ۵- مدل هاکینز

۲- رویکرد غیر تکنیکی و غیر علمی: طرفداران این مدل به طراحی برنامه های درسی از طرحهای کودک مدار و تا حدی مساله مدار حمایت میکنند. این دیدگاه در مقابل رویکرد تکنیکی علمی یا خطی قرار دارد یعنی افرادی که به ذهنیت، شخصی بودن، ذوقی بودن و اکتشافی بودن تاکید میکنند. آنان به محصول و تولید برنامه توجه ندارند بلکه به یادگیرنده و یادگیری از طریق رویکردهای ”فعالیت مدار” تاکید دارند. این رویکرد، برنامه درسی را ”باز” می بیند و بطور دقیق طراحی نمی کند. به این نحو در این روش تمام آنانی که به نوع با برنامه درسی ارتباط دارند و تأثیر می پذیرند در طراحی برنامه درسی درگیر می شوند. فراگیران خودشان را بهتر از هرکس دیگری می شناسند.

بنابراین در تعیین و انتخاب تجربه های یادگیری که رشد شناختی و اجتماعی را تسهیل می کنند صلاحیت بیشتری دارند. این رویکرد روی «خودشناسی» و «خواسته های شخصی» «خود ارزشیابی آنها» و تلاش هایشان در جهت وحدت بخشی به خود تمرکز دارد.

در این رویکرد تمرکز اصلی فعالیت برنامه درسی محتوا نیست بلکه روی فعالیت فرد است. محتوا تا حدی اهمیت دارد که دانش آموز بتواند معانی لازم را به دست آورد. اشخاصی که این جهت گیری را نسبت به برنامه دارند یادگیری را به صورت یک «کل» می بینند. نمی توان یادگیری را به واقع به مراحل دقیق یا حیطه های ویژه مانند حیطه شناختی عاطفی و روان حرکتی تقسیم کرد. در این رویکرد برنامه درسی قبل از اینکه

دانش‌آموزان به کلاس بیایند تهیه نمی‌شوند بلکه معلمان باید همکار فراگیر باشند و با گفتگوی آموزشی با او موضوعات مناسب را برای بررسی تعیین کنند. به این نحو در بیشتر مدل‌های غیرتکنیکی برنامه درسی به جای اینکه از قبل تهیه شود از طریق تعامل دانش‌آموز و معلم حاصل می‌گردد.

مدلهای غیر تکنیکی غیر علمی:

- ۱- مدل چارترز
- ۲- مدل "وین اشتین و فانتی نی"

در اساس دیدگاه تکنیکی علمی به «عقل‌گرایی» و «تجربه‌گرایی» تکیه می‌شود. جهت‌گیری غیرعلمی و غیرتکنیکی به «اشراق‌گرایی» و آنچه مک دونالد «عقلانیت زیباشناسانه» در مقابل «عقلانیت تکنولوژی» نامیده است متکی است. طرفداران رویکرد غیرتکنیکی و غیرعلمی به طراحی برنامه‌های درسی از طرح‌های «کودک مدار» و تا حدودی «مسأله مدار» حمایت می‌کنند.

پس از ذکر ویژگی‌های اصلی دو رویکرد علمی - تکنیکی و غیر علمی - غیرتکنیکی، نمونه‌هایی از مدل‌های مربوط به این دو رویکرد را ارایه می‌گردد:

مدل بابت (تکنیکی)

در آغاز قرن بیستم استاد تعلیم و تربیت دانشگاه شیکاگو علاقه‌مند بود، برنامه درسی متناسب با زمان را جایگزین برنامه موجود کند و روش‌های جدید، مواد آموزشی تازه و شیوه‌های نو به کار گیرد. او معتقد بود که با استفاده از علم می‌توان به هدف‌هایی که از طریق تجربه زندگی به دست نیامده نایل گشت. به همین دلیل او استفاده از هدف‌ها را به گونه‌ای که عملکرد فراگیر را معین کند مورد ملاحظه قرار داد. بابت در کتاب بعدی خود که در سال ۱۹۲۴ منتشر کرد دو فصل را به هدف‌ها اختصاص داد. او نخست وظایف یا تحلیل فعالیت‌ها

را شرح می‌دهد و هدف‌ها را از آن وظایف قابل استخراج می‌داند؛ سپس هدف‌ها را که مفید و کارآمد تشخیص می‌دهد بیان می‌کند. چند نمونه از هدف‌هایی را که بابت طرح کرده است ذکر می‌شوند:

توانایی در سازماندهی و ارایه اندیشه‌های خود به دیگران در مواقع:

الف) گفتگو (د) گزارش شفاهی

ب) نقل تجربه‌های خود (ه) راهنمایی کردن

ج) بحث خیلی جدی و رسمی (و) صحبت برای حضار

توانایی جمع‌آوری، سازماندهی و تفسیر حقایق موردنیاز.

در انجام هر توانایی و رسیدن به نتایج مدل بابت، بین هدف‌های نهایی (که به صورت کیفی نوشته می‌شوند) و هدف‌های پیشرو (که به شکل کمی نوشته می‌شوند) در هر گروه سنی و یا کلاس تفاوت می‌گذاشت. او می‌گوید: هدف‌ها باید با اصطلاحات معین و بر اساس آنچه که دانش‌آموز عمل یا تجربه می‌کند بیان شوند. در این حالت برای معلمان این امکان فراهم می‌شود که تحقق هدف‌ها را تعقیب کنند و خانواده‌ها و دانش‌آموزان هدف‌ها را درک کنند.

اصول هدف نویسی از نظر بابت

- هدف‌ها با اصطلاحات معین و براساس آنچه دانش‌آموزان باید عمل کنند نوشته شوند.
 - در نوشتن هدف‌ها از زبان روزمره استفاده شود و به گونه‌ای که به آسانی قابل فهم باشند.
 - از هدف‌های کلی پرهیز شود چون در عمل برای تهیه برنامه درسی غیرقابل استفاده است.
- برای مثال او می‌گوید: «توانایی مراقبت از سلامت خود» به قدری کلی است که قابل استفاده نیست. این هدف باید به هدف‌های ویژه تجزیه شود. «توانایی برای تنظیم تهویه اطاق خواب خود، توانایی برای مراقبت خود در مقابل جانوران کوچک میکروسکوپی» «توانایی مراقبت از دندان‌های خود» و غیره. طبق نظر بابت از هدف‌های

مبهم و خیلی سطح بالا مانند «ساختن منش فرد»، «فرهنگ و خودشناسی» باید پرهیز شود. زیرا تنها هدف-های ویژه هستند که در تهیه «برنامه درسی» و «اصول تدریس» و آگاه ساختن والدین و معلمان همانند راهنمای روشن ادامه مسیر را میسر می‌سازند.

مدل چارترز

«چارترز» با استفاده و سازماندهی نظریات «هربرت اسپنسر»، «فرانکلین بابیت» و «جان دیویی» در سال ۱۹۲۴ کتاب «بازسازی برنامه درسی» را نوشت. او در این کتاب «نظریه کارکردی» را برای طراحی سیستماتیک برنامه درسی مطرح ساخت و برای موضوعات آموزشی و حرفه‌ای ریز مواد تفضیلی ارایه نمود. چارترز با تأثیرگرفتن از روش‌های تحلیلی اسپنسر و تیلور خاطر نشان ساخت که اولین قدم در تهیه برنامه درسی تعریف هدف‌های اصلی است. او معتقد است برای تعریف هدف‌های برنامه درسی باید آنها به «ایده‌آل‌ها» و «فعالیت‌ها» تحلیل شوند. با استفاده از روش‌های تحلیل شغل (درون نگری، مصاحبه، پرسشنامه و تحلیل واقعی آن چه که روی کار انجام می‌گرفت) که در ارتش جنگ جهانی اول شهرت یافت. چارترز اظهار کرد که فعالیت باید تا نقطه‌ای که دانش‌آموز بتواند بدون کمک دیگران یاد بگیرد تجزیه شود.

مراحل تهیه برنامه درسی از دیدگاه چارترز

- مرحله اول: با مطالعه زندگی اجتماعی انسان هدف‌های اصلی تعلیم و تربیت را تعیین کنید.
- مرحله دوم: هدف‌ها را به دو بخش «آرمان‌ها» (۴) و «فعالیت‌ها» (۵) تحلیل کنید و تحلیل را تا سطح واحدهای کار ادامه دهید.
- مرحله سوم: این اجزا را به ترتیب اهمیت مرتب کنید.
- مرحله چهارم: با توجه به فعالیت‌هایی که برای بچه‌ها ارزش بالاتر و برای بزرگسالان ارزش کمتری دارند، اجزای مرتب شده را با دقت بیشتری تنظیم کنید.

- مرحله پنجم: با استفاده از فهرست موضوعاتی که در زمان آموزشی اختصاص یافته در مدرسه قابل
ارایه هستند تعیین کنید.
- مرحله ششم: تمرین‌های مناسبی را که در انجام این فعالیتها و آرمانها انجام پذیر است مشخص سازید.
- مرحله هفتم: بر اساس ماهیت روانشناختی بچه‌ها، مواد آموزشی را با نظم آموزشی مرتب کنید.